

مثبت را گزارش می‌دهیم یادمان برود که زنان سکولار در ایران به شدت سرکوب شد. به شدت اعتماد به نفس خود را از دست دادند [تشویق حضار] در تمام... خواهش می‌کنم... در جریان پاکسازیهای سالهای انقلاب، زنان سکولار بیکار شدند زنانی که بعضاً دارای یک موقعیت اداری بودند به‌خانه‌های خودشان برگشتند، شروع کردند به مربا درست کردن، سبزی پاک کردن در پارکینگ‌هایشان، شروع کردند اینها را فروختن. ما نباید یک بخش از واقعیت را دائماً در گزارش‌هایمان هم در مجامع داخلی و هم در مجامع خارجی اعلام کنیم. ما باید کارنامه خود را درست اعلام کنیم من آن وجه را اقرار دارم. ولی محال است که این وجه را بتوانم انکار بکنم، اعتماد به نفس را از دست دادند [تشویق حضار] رانده شدند. حتی زنان سکولاری که در حال حاضر با مشقت خودشان را نگه داشتند طی این سالها هنوز پاکسازی نشدند از این که یک کلمه درباره حقوق زن در محافل عمومی ممکن است که در محافل خصوصی بگویند چیزی به زبان بیاورند از ترس این که مبادا زیر ذره‌بین گزینش و پاکسازی قرار بگیرند و بعد از ۲۱ سال تحمل از این هیأت‌های علمی اخراج بشوند مثل بید به‌خودشان می‌لرزند [تشویق حضار].

[سخنان به زبان آلمانی]

پاسخ حسن یوسفی اشکوری

متأسفانه وضعیت ما در ایران پس از انقلاب، به گونه‌ای بوده که امروز نشستیم بعد از بیست و یکی دو سال که قرار بود انقلابمان نمی‌دائم دمکراسی، آزادی و رفاه ما برای دنیا الگو بشود داریم بر روی پیش‌پاافتاده‌ترین مسائل صحبت می‌کنیم و این واقعاً خیلی جای تأسف دارد که هنوز بخواهیم بحث کنیم که آیا نمی‌دانم کسی روسری داشته باشد یا نداشته باشد. در مقابل فقط آن اسلامگراهای ما در ایران فقط افتخارشان این هست که بله ما مسلمانیم و نمی‌دانم فلان آقا (قبل از انقلاب شاید دوستان ایرانی به‌یاد داشته باشند) گفته بود که ای دنیا تو اگر قمر مصنوعی داری ما قمر بنی‌هاشمی داریم [خنده و تشویق حضار] و این متأسفانه یک واقعیت جامعه‌ماست. سؤالی از من ظاهرأ شده بود که، فرمودند که در اسلام سلسله ارزش‌هایی وجود دارند که این سلسله ارزشها نمی‌گذارد که حقوق مساوی برای زنان به‌وجود

بباید و اتفاقاً من در همان صحبت چند دقیقه‌ای خودم (که البته از وقت خودم هم تجاوز کردم و من از مجری جلسه هم عذرخواهی می‌کنم) عرض کنم که پاسخ همین سؤال را خواستم بدهم. می‌خواستم بگویم این سلسله‌مراتبی را که شما الآن تصویر می‌کنید یک سلسله‌مراتبی است که در تاریخ اسلام ساخته شده است. ساخته شده منظور من این است که، نه این که کسی با توطئه ساخته یا کسی عمداً داشته همیشه یک فکر، یک اندیشه، یک دین، یک مذهب اول یک واقعیتی دارد یک پیامی دارد یک محتوایی دارد بعد این می‌آید در بستر تاریخ در تحولات تاریخی [دائم] تغییر می‌کند [دائم] تحول پیدا می‌کند و لذا ما همیشه تقسیم می‌کنیم اسلام را به اسلام حقیقی و اسلام تاریخی. راجع به مسیحیت هم همین حرف هست. راجع به یهودیت هم همین حرف است راجع به مارکسیسم همین هست و لذا معروف است که گفته‌اند که مارکس گفته بود که آقامن مارکس هستم ولی مارکسیسم نیستم. بنابراین آدم می‌تواند مارکس باشد ولی مارکسیسم نباشد، مارکسیسم با مارکس فرق می‌کند. بنابراین بنده هم اتفاقاً [همین است سخنم] لذا اشاره کردم که اگر مجلس ششم هیچی، شصتم هم نباید نمی‌تواند کار اساسی بکند. نمی‌گویم باید وضع قوانین تغییر بکند. حقوق‌دانها باید تلاش بکنند خانمها تلاش کنند. البته همین جا تو پرانتز بگویم که این مسأله را فقط زنانه - مردانه نمی‌بینم چرا؟ بدخاطر این که من به تجربه دریافته‌ام که اتفاقاً شاید اکثریت زنان ما اتفاقاً خود مرداندیشند و لذا اگر تمام ۲۹۵ نفر اعضای پارلمان ایران هم خانمها باشند. بنده چندان جانی امیدواری نمی‌بینم که زنها بتوانند برای خودشان قوانین وضع کنند [تسویق حضار]. بخصوص این که با مسائل، عمدتاً احساسی برخورد می‌شود، نه واقعاً بینشی و تفکری [و لذا] فرهنگ جامعه به زودی تغییر نمی‌کند. در پاسخ همین سؤال به کوتاهی می‌خواهم عرض بکنم که همه کوشش و تلاش باید همین باشد که این سلسله‌مراتب ارزشی که شما می‌گویید و نمی‌گذارد حقوق مساوی برای زنها به وجود بیاید و راست هم می‌گویید با این سلسله‌مراتبی که هست و با آن مقدمات و مبانی که هست همه تلاش باید این باشد که در کل دستگاه مسدودی تجدید نظر کنیم. و سلسله ارزشهایی از نو تعریف کنیم. به عبارت دیگر حالا اصطلاحی که اخیراً در ایران باب شده یک نوع برخورد هرمنوتیکی و برخورد بازسازی کردن و

بازخوانی اندیشه‌ای بینی، تا این صورت نگیرد زن باشد، مرد باشد، پارلمان باشد، این گروه باشد، آن گروه باشد همه آن دعوا سیاسی می‌شود. آیا حجاب باشد یا نباشد اگر کسی روسری داشته باشد می‌شود مظهر ارتجاع، اگر کسی روسری خود را بردارد یا خیلی خیلی عذر می‌خواهم از آقایان و خانمها در جلسه هزار نفره لخت بشود، می‌شود مظهر آزادیخواهی و دمکراسی، باز یک جمله‌ای بگویم، در دوران مشروطه یک شاعری به طنز دوبیتی‌ای گفته بود که الآن بعد از صد سال مصداق حال ما هم هست. در دعوای به اصطلاح روحانیون و متجددین آن موقع گفته بود که متقدم که منظور از متقدم علمای دینی اند، او گفته بود: متقدم به عبا نازد و عمامه شل. عمامه شل در اصطلاح آخوندی یعنی خیلی بزرگ می‌شود، پُف می‌کند. یعنی خیلی علمایی است [خنده حضار] «شعر او» به این عبارت است:

متقدم به عبا نازد و عمامه شل

متجدد به کلاه و به کراوات و فُکل

کار اول الکی باشد و دوم کُلکی

نه به اون شوری شوری نه به اون بی‌نمکی

[تشویق حضار]

[سخنرانی طولانی از طرف چند نفر به زبان آلمانی]

روز سوم

جلسه بعد از ظهر، ساعت ۱۷-۱۴:۳۰

موضوع بحث: ارزیابی و چشم‌انداز آینده روابط ایران و آلمان [سخنان معاون امور خارجه آلمان]

سخنان جمیله کدیور

بسم الله الرحمن الرحيم، با سلام و احترام خدمت حضار محترم و با تشکر از مسؤولین برگزاری این جلسه که در جهت نزدیک کردن دیدگاههای ایرانیان و آلمانیها تلاش کردند. من مقدمتاً در رابطه با موضوع مورد بحث چند نکته‌ای را خدمتان اشاره می‌کنم و بعد وارد بحث مورد نظر می‌شوم. نکته اول این که روابط ایران و آلمان روابط سابقه‌دار و دیرینه‌ای هست. تقریباً می‌شود گفت، ما شاهد حدود ۵۰۰ سال سابقه تاریخی در روابط ایران و آلمان هستیم. نکته دوم این که مجموعه‌ای از مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به روابط ایران و آلمان در طی ادوار و سده‌های گذشته شکل داده [است]. نکته سوم این که با توجه به این که آلمانیها در ایران سابقه استعماری نداشتند، نگرش ایرانیها کلاً نسبت به آلمان مثبت بوده و در قیاس با خیلی از کشورهای اروپایی یا کشورهای دیگری که این سابقه سوء را در اذهان ایرانیان داشته‌اند، منفی نبوده [است]. نکته چهارم این که به دلیل وجود تفاهم ضمنی یا نزدیک بودن دیدگاهها در مورد بعضی از مسائل منطقه‌ای و جهانی می‌توانیم، اشاره کنیم که این موارد می‌تواند موجب گسترش روابط و مناسبات بین دو کشور در زمینه‌های مختلف باشد. و نهایتاً ظرفیتهای مختلف شناخته شده و

شناخته‌ناشده‌ای که در روابط ایران و آلمان وجود دارد، من فکر می‌کنم می‌تواند موجب نزدیکی بیشتر روابط بین ایران و آلمان باشد.

با توجه به مقدمه‌ای که خدمتتان گفتم، به‌نظرم می‌آید در سه عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌توانیم روابط ایران و آلمان را مورد ارزیابی قرار بدهیم. حوزه اولی که من به آن اشاره می‌کنم، حوزه روابط سیاسی هست. به‌نظر می‌رسد روابط سیاسی ایران و آلمان طی ۲۱ سال گذشته، علی‌رغم فراز و نشیبهای قابل توجهی که داشته، افت و خیزهایی که داشته، در قیاس با خیلی از کشورهای اروپایی دیگر از استحکام بیشتری برخوردار بوده [است]. و لیکن به‌دلیل این که یک بنیان ثابت و استواری نداشته بعضاً به‌دلیل بعضی حوادث کوچک یا فشار بعضی از گروهها یا دولتهای ثالث این روابط سیاسی متأثر شده [است]. من فکر می‌کنم، اگر بتوانیم این بنیان ثابت یا استواری را در روابط خودمان بین ایران و آلمان پایه‌ریزی و ساماندهی کنیم، می‌توانیم از فشار خیلی از این گروههای ثالث یا کشورهای دیگر که از بهبود روابط سازنده بین ایران و آلمان متضرر می‌شوند، جلوگیری کنیم. نکته‌ای که باید توجه داشت، این است که با توجه به این که مباحث و مسائل در حوزه اقتصادی و فرهنگی بعضاً متأثر از عوامل سیاسی بوده، لازم است دو کشور در صدد برآیند که فضای سازنده‌ای در روابط خودشان سامان بدهند و پی‌ریزی کنند.

من معتقدم این فضای سازنده و سالم برقرار نمی‌شود، مگر این که دو طرف سعی کنند واقعیتهای طرف مقابل را شناسایی کنند و با احترام به حساسیتهای طرف مقابل در جهت ایجاد اعتماد و احترام متقابل تلاش کنند. آن مباحثی که در حقیقت سخنران اول هم به آنها اشاره داشتند. افت و خیزهایی که روابط ایران و آلمان در بُعد سیاسی طی سالهای گذشته داشته، بعضاً می‌تواند نشانگر این مسأله باشد که تا حدود زیادی این شناخت متقابل نسبت به واقعیتهای موجود کشور ما در بین آلمانیها با پدید نیامده یا کمتر پدید آمده [است]. و در حقیقت می‌توانیم اشاره کنیم که فضای منافع بلندمدت در کشور شاید تحت الشعاع بسیاری از مسائل ناچیز دیگر قرار گرفتند. البته من در صدد نیستم که در این فرصت کوتاه و این فضای مثبتی که پدید آمده، با طرح بعضی از مباحث، مشکلات یا اشتباهات گذشته دو طرف سعی کنم این فضا را تلخ کنم. چرا که بر این باور هستم که کسانی که وقت خودشان را

صرف کشاکش بین حال و گذشته می‌کنند، در حقیقت آینده را از دست می‌دهند. بنابراین معتقدم لازم است طرفین سعی کنند که با نگاه در حقیقت مثبت به آینده در صدد شناخت ظرفیتهای موجود در روابط خودشان برآیند و خصوصاً آلمانیها به جای این که سعی کنند خواستههای خودشان را بر واقعیات موجود تحمیل کنند، بیشتر در صدد شناسایی واقعیات سیاسی ایران امروز برآیند.

در حیطة مسائل سیاسی به نظر می‌آید که لازم است دوستان آلمانی مان چند مسأله را در رابطه با ایران مورد توجه قرار بدهند تا شناختشان همه‌جانبه‌تر و جامع‌تر باشد. نکته اول، همان‌طور که مسئول وزارت خارجه، معاون محترم مطرح کردند، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بدهیم، جایگاه منحصر به فرد ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ایران در منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای میانه است که در حقیقت این نقش قابل ملاحظه ایران می‌تواند سرپل همکاریهای قابل ملاحظه‌ای در روابط بین ایران و آلمان باشد. و خصوصاً با توجه به این که در آن منطقه بی‌ثبات و ناآرام منطقه، ایران تنها کشور باثبات می‌تواند محسوب بشود و تا به حال ثبات و آرامش خودش را در ابعاد مختلف نشان داده [است]. بنابراین نکته اولی که لازم است هر تحلیلگر مسائل ایران مورد توجه قرار بدهد، اهمیت این جایگاه در حقیقت سیاسی-جغرافیایی ایران است. نکته دیگری که لازم است که هر تحلیلگر یا سیاستگذار خارجی نسبت به مسائل ایران مورد توجه قرار بدهد، این است که در ایران یک انقلابی با جهت‌گیری دینی رخ داده و در هر تحلیلی لازم است به این مسأله توجه بشود که یک انقلاب با جهت‌گیری دین اسلام رخ داده و طبعاً آثار و پیامدهای خاص خودش را هم داشته [است]. نکته سوم نوع حکومت ایران است که باید مورد توجه تحلیلگران یا کسانی که به ارزیابی مسائل ایران می‌پردازند، قرار بگیرد که ساختار حکومت در ایران دینی است. قانون اساسی هم در این کشور طبیعتاً چارچوب مباحث دینی و ساختار سیاسی، حکومتی را به آن اشاره کرده که در این غالب دینی اسلامی می‌گنجد. نکته چهارم این است که تحولات سیاسی-اجتماعی ایران بعد از دوم خرداد در جهت اصلاح در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید مورد توجه قرار بگیرد. یعنی در کنار مباحث دیگری که به آن اشاره شد، اگر به این بعد از این منظر هم نگاه نکنیم، ارزیابی ناقصی

نسبت به این مسائل خواهیم داشت. و نکته پنجم این است که نه مردم و نه مسؤولان ما طبعاً بعضی از اظهارات غیر مسؤولانه بعضی از سیاستگذاران یا تحلیلگران کشورهای مختلف از جمله آلمان را نمی‌پذیرند که سعی کنند یک سری دیدگاههای غیر مسؤولانه یا پرتری جویانه یا مبتکرانه - به تعبیر دوستان - در رابطه با ایران مطرح کنند. طبیعی است که سیاستهای خاص خودمان را داریم. ممکن است انتقادهایی هم از درون داشته باشیم، ولی اجازه نمی‌دهیم در حقیقت این انتقادهایی که از درون داریم، محتملی باشد برای این که سوء استفاده‌هایی از طرف برخی بشود. بعضاً من می‌توانم این اشاره را کنم، اظهارات وزیر دفاع آلمان که بارها در رابطه با مسائل ایران یا بعضی از سیاستهای ایران در مورد مباحث مختلف اعلام شده بود، شاید خیلی قابل قبول نباشد، نه برای مردم ما، نه مسؤولین ما. یا مباحث دیگری که در بُعد حقوق بشر عنوان می‌شود. ممکن است بعضی از انتقادات در رابطه با مسائل داخلی ایران وجود داشته باشد، منتها با توجه به تعریفهای مختلفی که ما نسبت به حقوق بشر داریم. با توجه به این که ما دو نظام فرهنگی و دینی مختلف هستیم، ما به دو گفتمان مختلف متعلق هستیم، طبیعی است که اگر لازم است که به یک نقطه نظر مشترک برسیم، باید در مورد خیلی از این مسائل و مباحث بحث کنیم تا به یک اشتراک نظر فرهنگی با مفاهیم و ارزش‌ها برسیم و بعد در رابطه با مباحث مختلف از جمله حقوق بشر بتوانیم یک دیدگاه واحدی ارائه بدهیم و به نقطه نظرات خودمان در آن رابطه اشاره کنیم. منظر دومی که من فکر می‌کنم در روابط ایران و آلمان لازم است به آن اشاره شود، بحث مسائل اقتصادی و تجاری هست. همان‌طور که مطلع هستید، سیاست اقتصادی ایران و آلمان هسته اصلی روابط دو کشور را تشکیل دادند. علی‌رغم افت و خیزهای قابل تأملی که طی سالها و سنوات قبل بین ایران و آلمان وجود داشته، آلمان جایگاه خودش را به عنوان شریک تجاری درجه اول حفظ کرده است. منتها به نظر من باز هم در این رابطه چند ایراد یا انتقاد سیاسی به نوع روابط تجاری بین دو کشور وارد است. نکته اول این که روابط تجاری بین ایران و آلمان یک رابطه تجاری متعادل و متوازنی نیست. یعنی با توجه به میزان صادرات زیاد آلمان به ایران میزان صادرات ایران به آلمان اندازه به آلمان نیست. به میزان قابل ملاحظه‌ای عدم توازن وجود دارد. یعنی در حدود ۱۸ درصد صادرات آلمان به ایران

بوده، در حالی که صادرات ایران به آلمان از ۳۵/۵ درصد تجاوز نکرده [است].

در سالهای گذشته هم - یکی دو سال گذشته - ما شاهد کاهش این میزان ناچیز در مسائل نفتی و هم در صادرات غیر نفتی هستیم که من فکر می‌کنم، لازم است که مسؤولین آلمانی در ارتباط با توازن و تعادل بیشتر در روابط تجاری و بازرگانی تعهدات لازم را ببندیشند. نکته دیگری که من فکر می‌کنم در رابطه با مباحث تجاری و بازرگانی باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که شریک آلمانی باید سعی کند با اعمال سرمایه‌گذاری‌های درازمدت زیربنای ساختاری اقتصادی کشور ما را تقویت کند. یکی از مشکلاتی که ما در کشورمان داریم، علی‌رغم تحولات مثبتی که در عرصه سیاسی، فرهنگی شاهدش بودیم، بعضاً در زمینه مسائل اقتصادی، شاید یک نوع تأخیر یا پس‌ماندگی داشته باشیم که با کمک دوستان آلمانی ما می‌توانیم خیلی از این مشکلات اقتصادی را با انتقال دانش فنی و تکنولوژی و موارد دیگری که می‌توانند با سرمایه‌گذاری بلندمدت اعمال کنند، می‌توانیم تا حدود زیادی این شکافهایی که ایجاد شده بین دو کشور را مرتفع کنیم و حلش کنیم.

نکته دیگری که من فکر می‌کنم در رابطه با مسائل بازرگانی و تجاری می‌توانیم مورد توجه قرار بدهیم و بعضاً مورد اشاره بعضی از تحلیلگران اقتصادی هم هست. این است که شریک آلمانی به بعضی از تعهداتی که در رابطه با ایران داشته عمل نکرده و آنها را نیمه‌تمام - علی‌رغم هزینه‌هایی که میلیاردها تومان صرف شده - گذاشته [است]. بحث نیروگاه اتمی بوشهر پیش آمد که ممکن است این موارد در مسائل دیگری مورد استفاده قرار بگیرد. به آن تعهداتی که انجام دادند، بی‌توجه بودند و من فکر می‌کنم برای این که روابط اقتصادی دو کشور یا [صادرات سوت یکی از حضار] روابط در ابعاد دیگری تقویت بشود، لازم است این مسائل در حوزه‌های مختلف (در حوزه مسائل فرهنگی هم) پیشنهاد بشود که فعالیتها و برنامه‌های فرهنگی دو کشور در غالب یک مجموعه مورد بحث و تبادل نظر بیشتری قرار بگیرد. و من فکر می‌کنم این امر با احیای موافقتنامه فرهنگی بین دو کشور که توسط وزرای خارجه دو کشور سالها قبل امضا شد، ولی به دلیل مشکلات سیاسی که پیش آمد، علی‌رغم آنکه در مجلس ایران تصویب شد، این موافقتنامه در مجالس آلمان مورد تصویب واقع نشد. لازم است که در بُعد فرهنگی روابط فرهنگی ما را در غالب یک مجموعه واحد مورد توجه و امکان نظر قرار بدهیم و

نشستهای مشترک بین مسؤولین فرهنگی، مدیران کل فرهنگی از سر گرفته شود. من فکر می‌کنم این یکی از راهکارهای مناسب و ایده‌آل است که می‌توانیم در جهت تقویت روابط دو کشور عمل کنیم.

در همین چارچوب من فکر می‌کنم، گسترش ارتباطات رسانه‌ای بین ایران و آلمان، گسترش تبادل هیأت‌های علمی و فرهنگی، تبادل استاد و دانشجو و مطبوعات نقش قابل ملاحظه‌ای می‌تواند ایفا کند. حتماً دوستانی که در اینجا... [زبان آلمانی] [تشویق حضار] واقعیت این است که در حقیقت رسانه‌ها و مطبوعات آلمانی آن‌گونه که باید و شاید تحولات ایران را منتقل نکردند. من به‌یاد دارم حدود ۵-۶ سال گذشته به آلمان در غالب یک مجموعه خبرنگاری آمده بودم و قرار بود با روزنامه‌نگاران آلمانی یک نشست مشترک داشته باشیم. متأسفانه در آن نشست نمایندگان روزنامه‌های اصلی آلمان حضور پیدا نکردند. صرفاً یکی دو نماینده از روزنامه‌های محلی حاضر شدند و با نمایندگان رادیو دولتی آلمان و در جلسه بعد از ظهرش هم که بیشتر مباحث اقتصادی مطرح شد و آن مباحث که لازم بود در جهت نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف عملی بشود، متأسفانه صورت نگرفت. بنابراین من فکر می‌کنم، اگر مطبوعات آلمان با توجه به این‌که نقش مطبوعات در جهت‌دهی افکار عمومی نقش قابل ملاحظه‌ای هست، سعی کنند مباحث ایران را بهتر منتقل کنند، می‌تواند در نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف و رفع بسیاری از سوء تفاهماتی که در بین دو طرف برقرار بوده و موجود بوده، کمک کند. [تشویق حضار]

در خاتمه لازم می‌دانم به چند نکته به صورت اجمالی اشاره کنم. این‌که ایران و آلمان ظرفیت‌های قابل ملاحظه‌ای را برای گسترش روابط خودشان دارند. و برای این‌که روابط خوب و مستحکمی بین دو طرف برقرار بشود و این روابط از عوامل کوچک، یا فشارهایی که ممکن است بعضاً ایجاد شود، متضرر نشود و طرفداران رابطه بر کسانی که در برقراری رابطه بین دو کشور متضرر می‌شوند، فائق آیند، چند تا پیشنهاد دارم که فکر می‌کنم که این‌طور بر مبنای احترام، اعتماد و شناخت متقابل این روابط برقرار بشود. شاید بتوانیم...^۱

۱. جاافتادگی از نوار است و ادامه مطالب از روزنامه ایران ۱۳۷۹/۲/۷ اضافه شده است.

اسفر جناب آقای خاتمی، رئیس جمهوری به آلمان می تواند نقطه عطفی در بازسازی و توسعه روابط دو کشور به شمار آید. از طرف دیگر با شکل گیری مجلس ششم که پشتوانه محکمی برای اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران به شمار خواهد آمد، ارتباط نزدیک مجلس ایران و آلمان می تواند در گسترش و توسعه روابط نقش مهمی را ایفا کند.

ارتباط احزاب و سازمانهای غیر دولتی ایران و آلمان می تواند محور همکاری در زمینه های مختلف تصور شود. همچنین از آنجا که مطبوعات هر کشور نقش مهمی را در جهت دهی به افکار عمومی مردم ایفا می کنند، تبادل هیأت های مطبوعاتی، نشست های مشترک اهالی مطبوعات با یکدیگر می تواند در رفع بسیاری از سوء تفاهمات مؤثر واقع شود.

روند گفت و گوی بین دو کشور که در ابتدا در چارچوب گفت و گوهای انتقادی آغاز شد و امروز به گنت و گوی سازنده منجر شده، باید به گونه ای استمرار یابد که موجب ناامیدی مخالفان روابط گرم بین دو طرف گردد.^۱

پرسش و پاسخ

سؤال کننده: آیا ما ایرانی هستیم یا نیستیم؟ آیا به ما ظلم شده یا نشده؟ آقای که نشسته اید، به عنوان ایرانشناس اسمت را گذاشته اند، من به شما احترام می گذارم. در صورتی که شما متقابلاً به من احترام بگذارید. آقای که از حزب سبز هستید، معامله خوبی کردی با [..] سرمایه شما، شرف ما، حقوق بشر ما، ملیت ما و سرمایه طرف ایرانی که آقای نیرومند و آقای پهلوان و خانم کدیور هم هستند، نیست. ملت ایران، مبارک باشد به شما، مبارک باشد. و این را روزی بدانید که حزب شما شرافت خودش را، شخصیت خودش را، ملیت خودش را به عنوان یک حزب آزادیخواه در سطح جهان از دست داده است. [..] من بالشخصه این را اعلام می کنم. در حق ملت من [..]

سؤال کننده: با تشکر از همه آقایانی که شرکت کردند و این امکان را به وجود آوردند

۱. مطالب داخل [] از روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۲/۷ اضافه شده است.

۲. جاافتادگی از نوار است. ۳. جاافتادگی از نوار است.

که گفت وگویی صورت بگیرد. البته انتقاد دارم به این بحثهایی که تا حالا گذشته است. گفت وگویی فی مابین اصلاح طلبان یا طرفداران اصلاح در داخل یا خارج نبود. مونولوگ بود. شما اینجا نشسته‌اید به اندیشه‌های مخالف فقط یک یا دو دقیقه وقت دادید. این مونولوگ است. این آن چیزی است که آقای مختاری می‌گوید: تفکر شبان و رمگی. شما شبانید، اینها رمه. این را مانمی‌پذیریم. ۱. من هستم. ۲. بر سر در سازمان ملل نوشته شده:

بسی آدم اعضای یک پیکرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

این را هفتصد سال پیش شیخ اجل سعدی نوشته است. من تأسف می‌خورم که در عصر و قرن بیست و یکم خانم کدیور انسان را با دید نژادپرستانه تفکیک کند. انسان ایرانی، زن ایرانی نصف بشر است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی و قوانین جزا، تعزیرات یعنی شکنجه قانونی است [...] ۱

۱. دختر نه‌ساله شرعی و قانونی است. اینها همه نقض خشن حقوق بشر است که در موارد بسیار زیادی شأن انسان ایرانی را نصف و یاربع می‌کند. و در عین حال در سازمان ملل هم هست که این بر سر درش شمشیری نوشته شده است. من تأسف می‌خورم از این که انسان فدائی تکنیک شود. در عین حال که اعتقاد به روابط متمدنانه فی مابین دولت‌ها بر اساس اصل حاکمیت ملی و منافع مشترک دارم، ولی اینجا انسان را وجه‌المصالحه قرار دادن خطرناک است.

۲. حدوداً سه میلیون ایرانی در خارج است. همه زخم خورده‌اند و این فضا را که چند روز اخیر می‌بینید، فضای روانی آسیب دیده است. شکنجه شده‌اند، شکنجه ادامه دارد.

حقوق بشر به شدت پایمال می‌شود. همین امروز ۱۳ یهودی را بدون وکیل دارند محاکمه می‌کنند. این یهودیها اسرائیلی نیستند، یهودی ایرانی هستند. پانصد سال است در ایران زندگی می‌کنند. اینها همه حقوق بشر است که پایمال می‌شود.

آقای سیف، رهبر حزب ملت ایران در شکنجه گاه است. کبیر سن دارد. هفتادسالش است. هفتاد سال کبیر سن دارد و ایشان دارد شکنجه می شود و شما راحت اینجا نشسته اید. آن شعر نیما که یادتان نمی آید. انسانی دارد جان می سپارد، با کمال خونسردی مثل جنایتکارها می نشیند و در مورد اقتصاد حرف می زند. برای من عجیب است [تشویق حضار]. من به تک تک کسانی که اینجا آمدند، احترام می گذارم. بخصوص آقای اشکوری اصلاً مبهوت کرد، با قرائتی که از اسلام ارائه داد و مطلوب من است. ولی این قرائت، در جامعه و نه در مردم و حاکمیت منزوی است. آن قرائتی که سر و ش می گوید، قرائت فاشیستی از اسلام [است]. آقای گنجی همین جا گفت: قرائت فاشیستی از اسلام. آقای اشکوری گفت: قرائت فاشیستی از اسلام هم وجود دارد. این قرائت در قانون اساسی قانونیت یافته است. [و همچنین] این قرائت از اسلام در شورای نگهبان ... که ۸۵ درصد قدرت بنا به اعتبار و گفته روزنامه های دوم خرداد دست آنها است. [در بین صحبت، مجری آلمانی صحبت می کند] من عرض می کنم. فی المثل رفیق [و] دوست ما را از باکو دزدیده اند، به ایران بردند و هنوز خبری از او نداریم. آقای علی توسلی، شما در مقام دولت در اینجا این دزدی انسان را در باکو پاسخگو هستید. و من سؤاالم این است که رانت اقتصادی را می دانیم که یک سری عده دارند. رانت سیاسی را [هم] می دانیم دارند. رانت امنیتی [چطور؟] آیا کمونیسم در آنجا باید کشته شود؟ پیروز دوانی را چرا هیچ کسی نمی گوید؟ علی توسلی را چرا هیچ کس نمی گوید؟ ولی اگر کس دیگری از گروه دیگری باشد، اینجا انسانها بر اساس ایدئولوژی تفکیک می شوند. [دست زدن حضار در کنفرانس]

سخنان یک فدایی خلق: با درود به تمام شرکت کنندگان در جلسه و با تأسف از این که در این جلسه بخش مهمی از فرهنگ سازان جامعه یعنی مارکسیستهای ایرانی (مارکسیستهای معتقد به سوسیالیسم) نمایندگان اصلی شان آنجا نشسته اند و نمی توانند از نظریاتشان دفاع بکنند. [تشویق حضار در کنفرانس] من به عنوان یک فدایی خلق سه روز اینجا آمدم، هنوز هم فدایی هستم و برای مردم فدایی هستم. برای آرمانهای نیک انسانی فدایی ام و به خاطر حفاظت از آرمانهای نیک انسانی تبعیدی ام. [از] خانم کدیور انتظاری ندارم. چون سنشان جوان است. مثلاً [در

مورد] دولت آلمان گفت: ما با دولت آلمان پانصد سال ارتباط داشتیم. دولت آلمان در سال ۱۸۷۱ به‌عنوان کشور آلمان تشکیل شد. بعد انتظاری از دوستانی داشتم که ایشان را به اصطلاح به‌عنوان رایزن فرستاده بودند، حداقل اطلاعات لازم را می‌توانستند در اختیار ایشان بگذارند. اما موضوعی که می‌خواهم صحبت کنم، خانم کدیور لطفاً حقوق بشر را، دمکراسی را، قربانی اقتصاد نکنید. شما سه تا لقمه چرب و نرم برای آلمانیها پیشنهاد کردید:

۱. موقعیت جغرافیایی ایران.

۲. بازار خوب ایران، اقتصاد ایران.

۳. موضوع به‌اصطلاح محلل بودن ایران در قفقاز.

بله، اینها لقمه‌های خیلی خوبی برای کشور آلمان هستند. می‌تواند... بدهد. می‌تواند آن فشارهایی را که به‌دولت توتالیتر ایران در رابطه با حقوق بشر می‌آورد، آنها را تضعیف بکند. البته این پیام را قبلاً هم رفسنجانی بارها و بارها در مصاحبه‌هایش گفته است. آیا این پیام کارگزاران بود یا پیام خاتمی؟ من تأسف می‌خورم. وای به حال ملتری که نمایندۀ دومش بخواهد پیام رفسنجانی را برای به‌اصطلاح [ما] بگوید. اما در رابطه با سؤالی از نمایندۀ دولت آلمان که جواب بدهد. شما آیا گفت‌وگویی بین تمدنها را که می‌پذیرید، آیا گسترش ناتو را جزئی از این گفت‌وگوها می‌دانید [و] هر روز گسترش می‌دهید؟ هزار تا تانک الان دارید به ترکیه می‌فرستید، این هم گفت‌وگویی تمدنهاست؟ [تشویق حضار] ببینید خانم کدیور، برای توجه شما بگویم لطفاً از افراط به تفریط نیفتید. رابطه خیلی عالی است، ولی رابطه باید هوشیارانه، متمدنانه و با شناخت دقیق باشد. ما هیچ‌گاه مخالف رابطه نبودیم، اما رابطه متقابل، رابطه‌ای که کمک بکند کشور ما رشد بکند. نه این‌که همچنان به‌عنوان یک کشور جهان‌سومی باشد، چه به‌لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. نه این‌که کشوری باشد که فقط مشتری نفت داشته باشیم. [مجری آلمانی صحبت را چند لحظه قطع می‌کند] بله، فقط [به] سؤال آخرم تأکید می‌کنم که دولت محترم آلمان راجع به نقش ناتو چه فکری می‌کند؟ و حق و تویی که در جهان دارند [و] کل سازمان ملل را دور می‌زنند و خودشان تصمیم می‌گیرند، این را هم برای ما توضیح بدهند.

[مجری به زبان آلمانی چند دقیقه صحبت می‌کند]

سخنان یک خانم پناهنده ایرانی: این طور که به نظر می‌آید خواستار این هستند که صحبتها در زمان خیلی کوتاهی انجام بگیرد، که البته جای تأسف است. چون همین طور که در طول این چند روز صحبت بود، فکر می‌کنم شکل بهتری برای نشان [دادن] دمکراسی این بود که کسانی هم در آنجا در کنار دوستانی که نشسته‌اند، باشند که بتوانند نظرات مخالف خودشان را ابراز کنند و مجبور نشوند در زمان کوتاه دو دقیقه‌ای این را به شکل سؤال مطرح کنند. ولی به هر حال چیزی که روشن است، گویا امروز حداقل هموطنان ایرانی ما در یک فضای دوستانه نشسته‌اند، دوستان آلمانی هم هستند و به هم لبخند می‌زنند و با هم در مورد دمکراسی در ایران صحبت می‌کنند. چیزی که شروع را انتخابات دوم خرداد اعلام می‌کنند، انتخاباتی که شاید اگر به همان گونه که در ایران صورت گرفت، در آلمان صورت می‌گرفت، مطمئناً هیچ فرد آلمانی در آن شرکت نمی‌کرد و به عنوان یک انتخابات محدود و از پیش تعیین شده و افراد از پیش تعیین شده، آنرا تحریم می‌کرد. چیزی که در این رابطه هست، صحبت از دمکراسی زمانی می‌شود که هنوز در ایران شکنجه‌ها، سنگسارها و مجازاتهای وحشیانه ادامه دارد.

صحبت از دمکراسی زمانی می‌شود که دانشجویانی در حرکت مخالفشان در دانشگاه تهران بازداشت شده‌اند و در زندانها به سر می‌برند. در زیر بدترین شرایط امروز به سر می‌برند و در اعتصاب غذا هستند و جوان‌ترین آنها فقط بداتهام بلند کردن پیراهن خونی دوستش به ده سال محکومیت به زندان محکوم شده است. و زمانی از دمکراسی صحبت می‌شود (و برای من به عنوان یک زن ایرانی که متأسفانه پناهنده هستم) [که] در این کشور برای گام برداشتن و حمایت از آن چیزی که حقوق بشر در ایران نامیده می‌شود، دولت آلمان اولین حرکت خودش را با یک عمل ضد حقوق بشر در رابطه با ایرانیهای مقیم کشور شروع کرده [است] نمی‌دانم، حتماً هموطنان در جریان هستند. این اقدام دولت آلمان برای نشان دادن (نوعی حقوق بشر که مسلماً در ایران وجود دارد و بالطبع می‌باید خیلی نرمال باشد) و تأیید این نوع حقوق بشر دست به این نوع عمل حقوق ضد بشر بزند. وادار کردن زنان ایرانی برای پوشاندن حجاب اسلامی [و] برگرداندن آنها به کشور ایران بوده [است] و در

این ایالت امروزه این قانون را گذارده‌اند که زنان ایرانی قبل از پناهندگی خود باید عکس با حجاب اسلامی تحویل بدهند. یعنی احکامی که در جمهوری اسلامی پیاده می‌شود، امروز دولت آلمان که مدعی حمایت از حقوق بشر است، دارد انجام می‌دهد. فقط یک سؤال برای من هست، شما تمام مسائلی که امروزه دارد در ایران نادیده گرفته می‌شود و نقض حقوق بشری را که در ایران هست، کوچک می‌کنید و مسائل دیگری را بزرگ و اگراندیسمان می‌کنید که زن ایرانی به‌جای روسری مشکی روسری گلدار می‌تواند سرش بگذارد. و این مفهومش آزادی است. می‌آید در کشور خودتان قانون اساسی را در رابطه با آزادی حقوق بشر زیر پا می‌گذارید. زن ایرانی را وادار می‌کنید که حجاب اجباری بر سرش بگذارد. می‌خواهم در این رابطه توضیحی بدهید که فکر می‌کنیم این شروع و بدعتگذاری از حمایت حقوق بشر در ایران هست. [تشویق حضار و صحبت مجری آلمانی] | صحبت یک سخنگویی آلمانی چندین دقیقه |

سؤال‌کننده: من سؤال از آقای بهمن نیرومند | است | چه دلیلی داشت که در جریان میکونوس و جریان آزادی فرج سرکوهی همه نیروی سیاسی برلین دست به دست هم دادند و تظاهراتی گذاشتند، اما شما برای سازمان دادن چنین - به قول معروف - دیسکرسیونی می‌آید به‌تنهایی با بخشی از نیروها و حذف نیروهای دیگر دست به این اقدام می‌زنید که سرانجام خود شما بلندگو را در شرایط بسیار بسیار بد به هر کدام از نیروهای دیگر می‌دهید. آیا هدف شما قبل از این جریاناتها جز این بوده که بتوانید... البته من شخصاً به شما احترام می‌گذارم، ولی عملی که انجام دادید، به نظر من بسیار بسیار ناشایست بوده | است | به این دلیل که شما در برلین بعد از رفتن خودتان به این شهر بین نیروها دعوا خواهید انداخت. چرا قانون زندانهای سیاسی، قانون پناهندگان راه و کارگر، اقلیت اینها نیروهایی بودند که مشترکاً با اکثریت نیروها در تظاهرات علیه میکونوس (جنایتی را که انجام گرفته بود) شرکت کردند، ولی امروز شما با حرکت خودتان، طوری چهره همه نیروها را در اینجا مغشوش نشان دادید. آیا این از قبل برنامه‌ریزی بود یا نه؟ | تشویق حضار |

سؤال‌کننده: خانم کدیور، می‌خواستم بدانم شما نماینده مردم ایران هستید یا نماینده دولت؟ چرا که احساس کردم شما در جایگاه دشوار دولت برای پاسخگویی

برآمدید. شما به عنوان نماینده دولت بعد از دوم خرداد که رأی گرفتید، طبیعتاً نمی آید قانون حقوق بشر را که جهانشمول [است و] (آقای بهمن نیرومند هم اشاره کردند)، بگویید حقوق بشر اسلامی. سؤال این است، برادر شما الآن (با احترام از ایشان) به خاطر عقیده خود زندان هستند، صدها دانشجو که هم عقیده شما هستند، در زندان هستند، آیا می توانم سؤال بکنم که این حقوق بشر اسلامی چرا اینها را نگه داشته [است]؟ آقای آیت الله منتظری چهار پنج سال است که در حصار هستند، نمی توانند آزادانه صحبت بکنند، دلم می خواهد امروز عقیده شما را به عنوان نماینده مردم آن هم بعد از این همه تجربیات تلخ بخصوص از نمایندگان زن و مجلس پنجم بشنوم و از عقایدتان سؤال بکنم که برای آینده مجلس ششم بخصوص درباره مسائل زنان چه قدمهایی برخواهید داشت؟ متشکرم. [تشویق حضار]

سؤال کننده: من هم سؤال اولم را از خانم کدیور شروع می کنم. لطفاً دقیقاً جواب بدهید. چون گفتید روابط ایران و آلمان [طبی] یک سری از زمانها به دلیل فشار خارجی گروها ضعیف شد:

۱. در رابطه با ترور میکونوس که توسط ... و [هاشمی] [رفسنجانی] و وزارت اطلاعات سازماندهی شد و دولت ایران دولت آلمان را محکوم کرد و رابطه کم شد. شما موافق کم شدن این رابطه بودید یا نه؟ معتقدید که در این زمان هم باید رابطه ادامه پیدا کند؟

۲. موقعی که فرمان قتل سلمان رشدی داده شد، روابط ایران و آلمان هم به دلیل فشار اروپا ضعیف شد. شما موافق قتل سلمان رشدی هستید یا نه؟ این دو سؤال کاملاً مشخص است و دو جواب کاملاً مشخص می خواهد [تشویق حضار]. یک سؤال هم از برگزارکنندگان دارم، فارسی می گویم، چون به نظر می آید جمعیت فارس است، احترامش بیشتر است. شما که به عنوان بنیاد هاینریش بل این مراسم را برگزار کردید، بر اساس چه معیارهایی این افراد را گزینش کردید؟ یعنی بگویید به چه دلیل فرضاً خانم کدیور می توانست بیاید، ولی تا آخرین لحظه مهاجری نژاد را که ما تلاش کردیم [او را] در این بحث بکشانیم (به عنوان یک دانشجویی که در زندان رفت و در هجدهم تیر نقش داشت) نگذاشتند بیاید، ولی آقای افشاری که در

مقاله کت و کلفتش که [به صورت] یک کتاب در ایران درآمده [و] از ولایت مطلقه فقیه دفاع کرده [است]، ایشان می‌تواند بیاید اینجا دفاع بکند؟ چرا این را می‌گویم، جمعه پیش در پلیس خارجی بودم، به دلیل مشکلی که داشتم برگشتند به من چی گفتند (پلیس خارجی یک کارمند ساده نیست) چون من یک مشکلی داشتم، به من گفتند رئیس آنجاست. گفتم من مشکل دارم، گفت، [در ادامه به زبان آلمانی صحبت می‌کند] [تشویق حضار]

[سخنان مجری به زبان آلمانی]

سؤال کننده: من هم سؤالم را از خانم کدیور شروع می‌کنم. گفتید چند چیز کوچولو مدام تاریخچه رابطه سیاسی ایران و آلمان را به هم زده [است]. مشخص بگویید این چیزهای کوچولو چه چیزی هستند؟ قبلاً این چهار تا موضوع می‌کونوس... چهار تا کم بودند باید چهل تا بشوند یا بزرگتر شوند یا مسأله سلمان رشدی یا مسأله گایزل‌نامه، دزدیدن آدمها در ایران، در لبنان. اینها موضوعاتی بوده که من می‌شناسم. حالا شما موضوعاتی را که کوچک‌اند، تأکید کنید، اگر کوچکتر می‌شناسید، لطف کنید بگویید. بعد هم سؤال مشخص بعدی من این است که چه فرقی داشت اگر مشاور آقای رفسنجانی آنجا می‌نشست، (چون [از] دوم خرداد حرفهای خوبی ما اینجا شنیدیم)، مشخصاً چه صحبت‌هایی را آنها می‌کردند؟ این سؤال دوم من است. آقای ولفگانگ (من اسمشان را آنجا می‌بینم ایشان یک اسم دیگری گفتند) کنار شما آقای فوکس هست. شما گفتید رابطه حقوق بشر در روابط سیاسی بین ایران و آلمان جایگاه مهمی دارد. لطف کنید [زُک‌تر] بگویید، (ما خیلی حرف کلی اینجا شنیده‌ایم) اگر (تا آنجا که من در ذهنم هست) نه میلیارد دلار سالانه رابطه اقتصادی هست، چند صد کلمه سالانه رابطه سیاسی برای حقوق بشر هست؟ لطف کنید چند موردش را مشخص کنید.

سؤال کننده: مقدمتاً از آقای چنگیز پهلوان سؤالی داشتم. به نظر من ایشان دکتر خوبی هستند، مثلاً نسخه‌های متضادی می‌پیچند. یعنی این که [پهلوان] نفهمیدم یک جورری بگویید من بفهمم، من گوشم سنگین است [می‌گویم شما دکتر خوبی هستید، ولی نسخه‌های متضادی می‌پیچید. در ایران مسائل متضاد و تلمبارشده خیلی زیادی هست، نه از حقوق بشر، نه از حقوق زنان، هزاران زندانی

اعدام شده در بند است. در کنار اینها یک مسأله خیلی عمده دیگری هست که حقوق خلقهاست. شما وقتی به حقوق میلیونها خلق غیر فارس می رسید، اینها را در حدی پایین می آورید که خانم شما هم نمی تواند ترکی بخواند، پس مشکلی نیست؛ ولی نمی آیم این راریشه یابی کنیم، علت این چه چیزی هست، از کجا آمده و به کجا رسیده است؟ متقابلاً وقتی به شناسایی اسرائیل می رسیم، با گشاده دستی از طرف ایران اعلام می کنید که موافق یک چنین رابطه ای هستید! ما هم موافق چنین رابطه ای هستیم، منتها چرا وقتی که به داخل خانه می رسد، به مسائلی که مثلاً در کشور خودمان هست، چرا این قدر با تفکر...

[توضیحاتی به زبان آلمانی توسط یک خانم]

[توضیحاتی به زبان آلمانی توسط یک آقا]

سوال کننده: من از سوی انجمن فرهنگی خلق ترکمن در برلین صحبت می کنم. قبلاً از همه کسانی که این گردهمایی را آماده کردند، که اینجا دور هم بیاییم و مسائل خودمان را در میان بگذاریم، تشکر می کنم. و برای من نماینده یک خلق بسیار تحت ستم در ایران هم اجازه داده بشود که درد دلم را در حضور شما عرض بکنم.

در اینجا دو تا مسأله موجود است. یکی رابطه بین ایران و آلمان. یکی دیگر انشای جامعه مدنی در ایران. من ضمن تشکر از این که دوستان آلمانی نماینده وزارت خارجه برای اولین بار بیان کردند که در رابطه با ایران و منافع استراتژیک منطقه نه ایران، بلکه تمام منطقه خلقهای ساکن ایران را هم در نظر می گیریم. خیلی تشکر می کنم. این برخورد نماینده یک ملت متمدن به مسأله خلقها هست. اما متأسفانه از سوی روشنفکران ایران در اینجا از حجاب، حقوق انسان و دموکراسی صحبت شد، اما از نابودی میلیونها انسان غیر فارس، ترکمن، ترکهای ایران، عربها و... [صحبت نشد]. من سؤالم از دوستان آلمانی این است که در رابطه با ایران، به این مسأله، به مسأله خلقها که در سرمایه گذاریهای استراتژیک شما تأثیر دارد، چقدر بها می دهید؟ به رعایت شدن حقوق خلقهای غیر فارس در ایران؟ سوال دوم [از این دوستان اساتیدمان هست که اینجا سخنرانی کردند. البته من خطابم آقای چنگیز پهلوان نیست. ایشان را از نوشته هایشان می شناسیم، ایشان یک نژادپرست با

مضمون ضد عرب و ضد ترک است). [دخالت مجری و تشویق برخی از حضار] سؤال من از اساتیدی مثل استاد اشکوری است. آیت‌الله اشکوری، خانم لاهیجی و دیگرانی که آرمانهای انسانی را تعریف می‌کنند. شما آیا جامعه مدنی خودتان را با همکاری خلقهای غیر فارس، با همکاری برادرانه آنها می‌خواهید اجرا کنید یا بر روی اجساد خلقهای غیر فارس؟ خیلی ممنون [تشویق حضار]

[سخنان مجری به زبان آلمانی]

سؤال کننده: اجازه بدهید قبل از هر چیز از برگزاری چنین جلسه‌ای تشکر کنم. ولی به نقضی که در این جلسه وجود دارد هم اشاره می‌کنم. همان طوری که دوستان آلمانی هم اشاره کردند، گفتند بحث ما بین ایران و ایرانی است، ولی متأسفانه بخشی از ایرانیانی که ناچار شده‌اند که به خارج تبعید بشوند، در اینجا حضورشان کم بود. اگر چنین جلسه‌ای با حضور آنها برگزار می‌شد، این کمک بیشتری به روند اصلاحات و دمکراسی در ایران می‌کرد [تشویق حضار]. اما سؤالی را که می‌خواهم اینجا بکنم از خانم کدیور هست. ناچارم در این بخش اشاره بکنم، (در این پانل گفت و گو می‌کنند) [به] شما خانم کدیور، به عنوان نماینده، مردم ایران که در دو دوره رأی اعتماد نشان دادند، در انتخابات شوراها و همچنین انتخابات مجلس ششم. شما و دیگر اصلاح طلبانی که از طرف مردم انتخاب شدید، چه برنامه‌هایی را در دستور کار مجلس قرار خواهید داد؟ واقعیت این است که رأی مردم به شما یک رأی در واقع مشروطی هست. این رأی است که اگر نتوانید به خواسته‌های مردم پاسخ بدهید، فردا دوباره دنبال راه‌حلهای دیگری خواهید گشت. سؤال مشخص در مورد مسأله آزادی [زندانیان] سیاسی - عقیدتی هست. در این مورد چه برنامه‌ها و قوانینی را در کار مجلس می‌خواهید پیش ببرید؟ در مورد آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، پیگیری قتلهای زنجیره‌ای و قتلهایی که در کل طول این بیست سال انجام گرفته (بدرستی آقای گنجی در جلسه گذشته اشاره کردند). [چه برنامه‌هایی دارید؟]

همچنین در مورد تفسیر حقوق زنان، شما به عنوان یک نماینده زن (که زنان پیگیرانه در انتخابات شرکت کردند) چه پاسخی می‌خواهید به آنها بدهید؟ مایلم در این موضع بدانم که آقای علوی تبار در نشریات ایران مقاله نوشتند. همچنین آقای

گنجی در اینجا در مورد بازگشت شرافتمندانه ایرانیانی به داخل ایران صحبت کردند - شما به عنوان نماینده مجلس و دیگر اصلاح طلبان چه قوانینی را می خواهید تصویب بکنید که ایرانیانی که خواهان شرکت فعالانه در روند سازندگی جمهوری اسلامی هستند، شرکت کنند؟

[سخنان مجری به زبان آلمانی]

سؤال کننده: مسأله ای که می خواهم اشاره کنم، بخشی از زندانیان سیاسی هست. مثل آقای سیف. برادر شما مشخصاً به خاطر امکاناتی که دارد، امکان بیرون آمدن را دارد. اما آقای سیف چی؟ برای ایشان چه کار می کنید؟ رفیق ما، آقای توسلی در دوره ای که سعید امامیها در وزارت اطلاعات و امنیت، قدرت را در دست داشتند، از باکو رها شده بودند. در این مورد شما چه برنامه ای را پیش می برید؟ خیلی متشکرم از شما. [تشویق حضار]

مجری آلمانی: [دعوت از کدیور]

پاسخ جمیله کدیور

تعداد زیادی سؤال شده و وقت محدود است. من سعی می کنم به صورت اجمالی و اختصار صحبت کنم. انشاءالله اگر فرصتهایی پیش آمد، در آینده هم در خدمت دوستان هستم که مطرح کنم. فکر می کنم دو سه تا سؤال اول بیشتر بر اساس پیتداوری ذهنی دوستان سؤال کننده بود. دوست اول مان سؤال کردند و گفتند من نگرشم نسبت به انسانها و زن ایرانی، نصف بشر هست و مواردی از این دست عنوان کردند که طبعاً من این را از پیتداوری و (Miccancepton) ایشان نسبت به خودم می دانم و یا عدم شناخت صحیحی که نسبت به من داشتند. طبعاً اگر ایشان در صدد بودند که مقالات، صحبتها و برنامه های من را در مجلس شناسایی کنند، این نگرش را نداشتند. من خودم به عنوان یکی از طرفداران تأمین حقوق زنان معتقد هستم که در عین حالی که در قانون اساسی ما نکات روشنی در حمایت از زنان هست، منتهی در قانون مدنی ما بعضی از مشکلات و در حقیقت موادی هست که لازم به تحول متناسب با شرایط روز هست. خیلی از مسائلی که شاید مورد انتقاد شما هم باشد، ما در صدد هستیم که مطابق نظر خیلی از فقهای روشن اندیشی که

نسبت به مسائل زنان نگاه مثبت دارند، بحث دید هست، بحث حضانت، بحث طلاق و موارد دیگر [که] اصلاحش [کنیم]. منتهی از روند قانونی خودش، نه از مباحث و دیدگاههایی که ممکن است بعضاً تصور غیر قانونی بودن بشود. موارد دیگری که دوستان مطرح کردند، من آنها را صرفاً بر مبنای پیشداوریهای ذهنی خودشان می دانم. نکته دیگری را آقای نیرومند مطرح کردند که من سخنگوی رسمی آقای خاتمی هستم. نه، من یک روزنامه نگار هستم که در دوره فعلی به عنوان نماینده مردم تهران انتخاب شدم. جواب آن دوستان هم هست که من نماینده دولت بودم، یا نماینده مردم؟ در حقیقت من دیدگاههای شخصی خودم را مطرح کردم. منتهی ممکن است دیدگاههای شخصی من در بعضی از مواقع منطبق یا نزدیک به دیدگاههای رسمی دولت باشد، در بعضی مواقع هم انتقادهایی داشته باشم. منتهی بر این اساس، بر این باور هستم که ما انتقادهایی که خودمان می کنیم، نباید دستاویزی برای خیلی از عوامل خارجی باشد و دولتهای دیگر از این انتقادهای ما بهره برداریهای سوء خودشان را بکنند. ما به عنوان یک جامعه مدنی پویا، پرنشاط و سالم، معتقد به انتقاد هستیم و معتقد هستیم که این انتقادات باید در جامعه ما هر چه بیشتر مطرح بشود تا زمینه برای اصلاح نقاط منفی که وجود دارد، فراهم [و عملی] بشود.

بنابراین در این چارچوب بود که این مسائل را مطرح کردم. من سخنگوی رسمی هیچ کسی نیستم. مشاور سابق رئیس جمهور خاتمی هستم. ممکن است نگرشهایی که من مطرح کردم، با نگرشهای دوستان دیگری هم منطبق باشد، منتهی این به آن معنی نیست که من نگرش رسمی دولت را در اینجا مطرح کرده باشم. نکته دیگری که در رابطه با مجلس - دوستان، خواهران - مطرح کردند که انتظار داشتند من در اینجا در مورد برنامه های خودم در مجلس عنوان کنم، یا برادرمان یک سری مطالب را عنوان کردند که دیدگاههای من چیست؟ با توجه به محدوده موضوعی این نشست که بررسی روابط ایران و آلمان بود، من تصور نمی کنم که فرصتی چندان برای طرح دیدگاههای شخصی من یا برنامه های من [باشد]. من می توانم یک نشست خاصی در مورد دیدگاههای خودم درباره مباحث سیاسی داخلی، آزادی زندانیان سیاسی و موارد دیگری که از این دست هست، داشته باشم تا

دوستان مطلع بشوند. خواهر دیگری سؤال کرده‌اند که موضوعات کوچک مد نظر من که تحت الشعاع قرارداد سیاست ایران و آلمان بود، چه چیزی بود؟ فرضاً بحث انستیتو گوته که جناب آقای پهلوان هم عنوان کردند، بحثی بود که یک سری از رسانه‌های آلمان در رابطه با نگرش منفی که به ایران [داشتند] مطرح شد و منجر به بسته شدن انستیتو شد. موارد دیگری هم از همین دست هست.

من معتقد هستم منابع دو کشور بلندتر و در حقیقت بیشتر ارزش دارد که در رابطه با آن منافع بلندمدت خودمان بر مبنای یک سری موارد کوچکی که می‌تواند بعضاً این موارد را خدشه‌دار کند، آنها را در حقیقت تحت الشعاع این قضایا قرار بدهیم. اما بحث سلمان رشدی که مطرح شد، خدمت شما بگویم که طبعاً ایران که در صدد فرستادن کماندو برای قتل سلمان رشدی نبوده، یک فتوای اسلامی بوده، دیدگاه ایران صرف هم نیست، تمام کشورهای اسلامی در این زمینه اتفاق نظر داشتند. یک فقیه دیدگاه فقهی خودش را عنوان کرد. منتهی ما به عنوان دولت به عنوان شهروندان ایرانی در صدد نبودیم. صرف بیان وظیفه شرعی بوده که عنوان شده [است] و در این زمینه هم من فکر می‌کنم که اگر این مسأله را مد نظر داشته باشیم، می‌توانیم موارد را توجیه کنیم. در رابطه با این بحثی که دوستان مطرح کردند، روابط ۵۰ ساله [را] ناشی از بی‌اطلاعی من دانستند، من فکر می‌کنم نشانه عدم اطلاع ایشان از تاریخ باشد. طبعاً من بحثم این بود که ایران و آلمان روابطی که داشتند دیرینه هست. بحث سر این نیست که دولت آلمان از چه زمان با دولت ایران ارتباط نزدیک برقرار کرده [است]، بحث سر این بود که ارتباط مردمی، ارتباط تبادل هیأت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، دیرینه و مسبوق به سابقه است و محدود به این بیست ساله یا یک سده اخیر نیست که دوستان به آن اشاره کردند. [تشویق حضار]

بحث دیگری هم که در رابطه با مسائل ایران، به نظر من می‌آید به آن اشاره کنم، (به صورت خاص نمی‌گویم، به صورت کلی می‌گویم. دوستان ما ممکن است مصادیقی را عنوان کرده باشند) در مورد تحولات بیست، بیست و یک سال اخیر است. لازم است که چه در مورد تحولات بیست و یک ساله اخیر و چه در مورد تحولات دو سه ساله اخیر به جای این که ما به مصادیق خیلی خاص بپردازیم،

به برآیند کلی تحولات ایران توجه داشته باشیم. برآیند کلی این تحولات رو به رشد و مثبت بوده [است]. اگر با این نگرش نگاه کنیم، من فکر می‌کنم خیلی از انتقادات و ایراداتی که دوستان ما عنوان می‌کردند و (بعضاً ممکن است در مورد جلسات قبلی هم صادق باشد، نه در رابطه با این موضوعی که ما در موردش بحث داشتیم) بشود در موردش به اصطلاح تحلیل‌های لازم را داشت.

نکته دیگری که دوستان اشاره کردند، در مورد جامعه مدنی [بود]، که آیا ما می‌توانیم جامعه مدنی را با همکاری تمامی اقشار بسازیم یا موارد دیگر؟ همان‌طور که دوستان مطلع هستند، شعار اصلی جناح اصلاح طلب که در قالب جبهه مشارکت عنوان شد، «ایران برای ایرانیان» بود. ما معتقد هستیم از توانمندیها و تمام نیروهایی که در صدد براندازی و معارضة با نظام نیستند و حاضر هستند در نظام جمهوری اسلامی زندگی کنند، به قانون اساسی تمکین کنند، نظم سیاسی را قبول کنند، ما می‌توانیم از تمام دستاوردهایی که می‌توانند پیامدهای مثبتی برای کشورمان ایجاد کنند، استفاده و بهره‌برداری کنیم. [تشویق برخی]

چون سؤالیهای زیادی بود، من سعی کردم همه را توضیح بدهم. البته یک ایرادی هم در رابطه با این نشست دارم. فکر می‌کنم که چون افرادی با گرایشها و نگرشهای مختلف فکری بودند، از یک طرف ما اینجا صحبت کردیم، دوستانی هم بودند در آنجا که با نگرشها و گرایشهای مختلف فکری صحبت کردند، فرصت بسیار مختصر و محدود بود [تا] ما بتوانیم هم پاسخگویی آن دوستان باشیم. هم پاسخگویی دوستانی که در اینجا حضور داشتند. خصوصاً با توجه به این که ترجمه معمولاً از متنی که صحبت می‌شد، عقب بود و بعضاً تحت الشعاع تشویق‌های دوستان هم قرار می‌گرفت، خود من متوجه خیلی از اظهارات جناب آقای پهلوان یا دوستان دیگر نشدم. انشاءالله، اگر موردی بود، بعداً بتوانیم پاسخگویی این موارد باشیم. [تشویق حضار]

[سخنان مجری به زبان آلمانی]

سخنان چنگیز پهلوان

اول این که سرکار خانم کدیور الان اشاره فرمودند، جلسه‌ای [با] یک موضوع معین

است. می‌گویند، در مورد روابط ایران و آلمان صحبت کنید. نمی‌شود که از هبوط آدم تا حالا صحبت کرد. هر درد دلی را گفت. بالاخره ما یا شما در خارج ایران زندگی می‌کنید. این نظم فکری عرضه مطالب در یک مجلس معین را یک بار یاد بگیرید. [تشویق حضار]

دوستان، چرا در مورد روابط ایران و آلمان حساسیت نشان می‌دهید؟ اجازه بدهید یک انتقاد از دوره دانشجویی خودم بکنم. ما آن موقع می‌گفتیم، هیچ‌کس با رژیم شاه رابطه نداشته باشد. صمیمانه به شما بگویم، اشتباه می‌کردیم. [تشویق حضار] ارتباطات با یک حکومت مآله یک کشور است. عراق را الآن منزوی کردند و به نفع استبداد در عراق است. چرا شما در رابطه با فرانسه و ایران حساسیت نشان نمی‌دهید؟ چرا در رابطه با کسترش روابط ایتالیا با ایران حساسیت نشان نمی‌دهید و درست در آن کشوری که اینجا به شما اقامت داده است، نسبت به روابطش حساسیت نشان می‌دهید؟ آیا این اخلاقی است؟ روابط با یک کشور الزاماً به حمایت از یک استبداد نمی‌انجامد. این عقیده من است. (گوش کنید. عقیده را هم گوش کنید.) اما راجع به این که می‌آیند صحبت خلقها را می‌کنند، یک اتهاماتی را هم به من می‌زنند. حداقل اگر این کتاب من را دم در خوانده باشید! شما که نمی‌دانید نژادپرستی چیست؟ ببینید. حداقل من از نظر تئوریک چه جور [تحلیل] کردم. اگر این اتهام کثیف نباشد، ردیلا نه است. اما اگر می‌خواهید بدانید نژادپرستی چیست؟ آن ترکمن یا شما در ترکمنستان راجع به آن صحبت می‌کنند. اما مسأله خانم بنده، اقا شما طرفدار خلقهایید! خانم من ترکی اش از شما بهتر است. ترکی می‌نویسی، نمی‌تواند بخواند. این حق را برایش قائل نیستی. چرا قائل نیستی؟ این هم همسر من است. بلد نیست، این ترکی فارسی را بخواند. چه کار کند؟ حالا شما به او می‌گویید بیا بخوان. خودت هم بلد نیستی بخوانی. اما [تشویق جمعی از حضار] من می‌فهمم. اینجا یک عده مهاجران شریف وجود دارند. عده‌ای از مهاجرت برای دریافت پاس و امکانات سوء استفاده می‌کنند. این سالم نیست. [تشویق حضار] به فکر کشورتان باشید. شما باید به فکر کشورتان باشید، نه این که ببینید بهمن نیرومند پاسدار است و از یکی بیشتر سوسیال... است یا نه؟ چرا شما به این حد تنزل می‌دهید یک جامعه شریفی را که اینجا وجود دارد. همه‌اش مسائل

[...] آن می‌رود، یکی انجمن خلقها تشکیل می‌دهد، آن نمی‌دانم سوپر کمونیست می‌شود، آن فلان. پاس می‌خواهید، بروید از اینها پاس بگیرید، این کار را نکنید. [تشویق عده‌ای و اعتراض برخی]...

[مجری آلمانی و سپس چند نفر دیگر به زبان آلمانی صحبت می‌کنند.]
[طرف دوم نوار ادامه صحبت آلمانی و پس از چند دقیقه خاتمه نوار.]

Reza.Golshahan.com
www.KetabFarsi.com

Reza.Golshahan.com
www.KetabFarsi.com

فصل دوم

واکنش شرکت کنندگان کنفرانس برلین در ایران

اصلاح طلبان مسلمان: حاملان «جامعه دربرگیرنده»

در زمینه ایرانی آن^۱

حمیدرضا جلابی پور

اشاره: مقاله زیر را برای کنفرانس برلین تهیه کرده بودم. مقاله قبل از سفر به کنفرانس فکس شده و به آلمانی ترجمه شده بود. در روز تشکیل سمینار، نیروهای برانداز جمهوری اسلامی، خصوصاً کمونیستها و مجاهدین خلق (موسوم به منافقین)، با شعارها و حملاتی که علیه نگارنده داشتند، اجازه ندادند که متن مقاله زیر را در کنفرانس بخوانم.

اصلاح طلبان به دنبال تقویت چه نوع «جامعه‌ای» در ایران هستند؟ اگر گفته شود آنان به دنبال «جامعه مدرن» هستند، به اشتباه پاسخ نگفته ایم. اما این پاسخ از دو نقص رنج می‌برد. یکی این که سخن از جامعه مدرن سخن جدیدی نیست، زیرا قریب یکصد سال است که اصلاح طلبان ایرانی، از طریق ترویج اندیشه‌های جدید و اجرای پروژه‌های نوسازی، به دنبال تقویت جامعه مدرن هستند. (یعنی جامعه‌ای که اقشار و نهادهای آن از یکدیگر متمایز شده باشد، ارزشهای تعیین‌کننده در جامعه مشروعیت خود را از «قانون» اخذ کند، از عرصه سیاست در جامعه اسطوره‌زدایی شده باشد و قس علی هذا.)

نقص دوم این که کاربرد اصطلاح «جامعه مدرن» در مخاطب ایرانی این تصور را القا می‌کند که گویی جامعه مدرن، جامعه‌ای بدون مشکل و بحران است. در صورتی که در واقعیت امر، جامعه مدرن نیز با انواع مشکلات و بحرانها دست و پنجه نرم می‌کند. (منتها در جامعه مدرن برای حل و فصل بحرانها، اقبال تأثیرگذار فقط به منبع دین مراجعه نمی‌کنند.) از این رو برای دوری از این دو نقص در پاسخ به سؤال فوق، این نوشته به جای استفاده از اصطلاح جامعه مدرن از اصطلاح «جامعه دربرگیرنده»^۱ استفاده می‌کند. به این معنا که اصلاح طلبان مسلمان در مقطع کنونی مخالف جامعه پردکننده^۲ و به دنبال تقویت «جامعه‌ای دربرگیرنده» هستند. لذا توضیح درباره «جامعه دربرگیرنده»^۳ و دلایلی که نشان می‌دهد اصلاح طلبان در پی تقویت چنین جامعه‌ای هستند، هدف این نوشته را تشکیل می‌دهد. در پناه این تجزیه و تحلیل بهتر می‌توان به روندهای تعیین کننده در جامعه کنونی ایران (در مقایسه با جامعه غربی) پی برد.

مفهوم «جامعه دربرگیرنده» در زمینه غربی آن به چه معناست؟ این مفهوم به چگونگی اقبال اجتماعی پردشده در جوامعی که تحت «هژمونی نولیبرالها» اداره شده است، می‌پردازد. این هژمونی حول تأکید بر اصل شایسته سالاری برای اداره جامعه، در برابر اصل عدالت طلبی (به معنای برابری طلبی) که جبهه مطرح می‌کرده‌اند، شکل گرفته است. به تعبیر مشخص تر، مفهوم «جامعه دربرگیرنده» به منظور ترحم به پیامدهای اجتماعی راهبردهای نولیبرالی (یا تاچریسم / ریگانیسم) که طی دو دهه در جوامع انگلوساکسون معمول بوده، تدوین شده است. بدین معنا که در جامعه مدرن، اعتقاد به اصل پایه‌ای «برابری انسانها» به «وضعیت برابر انسانها در برخورداری از مواهب زندگی» منجر نشده است و نابرابری ساختاری همچنان ادامه دارد. منتها ادعای جامعه مدرن (یا به تعبیر دقیق تر ادعای نولیبرالها) این است که اگرچه افراد از «وضعیت برابر» برخوردار نیستند، ولی

1. inclusive society 2. exclusive society

۳. اصطلاح «جامعه دربرگیرنده» را از درسهای جامعه‌شناسی «آنتونی گیدنز» در دانشگاه لندن وام گرفته‌ام و مطالبی که در ذیل این مفهوم در زمینه غربی آن گفتم، مبتنی بر آرای اوست. در میان مطالب چاپ شده گیدنز به طور مستقل مفهوم «جامعه دربرگیرنده» تئوریزه نشده است و برای آشنایی با آن باید به درسهای جامعه‌شناسی او مراجعه کرد.

به جای آن «برابری در استفاده از فرصتها بر اساس شایستگی افراد» در جامعه تضمین شده است. به بیان دیگر، اصل «برابری انسانها» در جامعه مدرن به اصل «برابری در استفاده از فرصتها» تحویل شده است و جامعه مدرن یعنی جامعه شایسته سالار. سخن اصلی نظریه «جامعه دربرگیرنده» این است که حتی اگر فرض کنیم مکانیسمهای شایسته سالاری در جامعه صد درصد عمل می کنند، ولی پیامد ناخواسته آن طرد یارهای از اقشار اجتماعی است، زیرا به همان میزان که افراد و اقشاری بر اساس شایستگیها به سلسله مراتب بالای جامعه صعود می کنند، افراد و اقشاری هم به سلسله مراتب پایین جامعه سقوط می کنند. «صعودکنندگان» به خاطر امکانات ویژه ای که به دست می آورند، به طور «ارادی» خود را از متن جامعه طرد می کنند، یعنی به تدریج نحوه آموزش، بهداشت و درمان و تفریحات آنها اختصاصی می شود و دنیای خود را از دنیای جامعه جدا می کنند. در برابر این طرد ارادی، اقشار «پایین رفته» در جامعه هستند که به طور «غیر ارادی» و به خاطر عدم توانایی شان (یا فقدان شایستگی) در انجام رقابت، طرد می شوند. از این رو در این نظریه به موازات تکیه بر «شایسته سالاری» بر راهبرد «آموزش، آموزش و باز هم آموزش» تأکید می شود تا هم بالاییها از طریق آموزش متوجه خطر از هم گسیختگی جامعه شوند و هم پایینیها از طریق آموزش بتوانند استعدادهای خود را شکوفا کنند تا قادر به رقابت در جامعه مدرن باشند. اما مفهوم «جامعه دربرگیرنده» در زمینه ایرانی آن داستان دیگری است و از هژمونی (یا تسلط سیاسی-اجتماعی بخشی بر بخش دیگری از جامعه) حول محور دیگری سرچشمه می گیرد.

«جامعه دربرگیرنده» در زمینه ایرانی آن به چه معناست؟ این مفهوم به اقشار اجتماعی طرد شده ناشی از هژمونی اسلام گرایان سیاسی، که حول اصل «اسلامی کردن سیاست و جامعه» شکل گرفته است، اشاره دارد. دو دهه پیش این اندیشه

۱. در این نوشته توجه به نسبی که اسلام گرایان سیاسی (Islamists) و اصلاح طلبان مسلمان (Muslim Reformer) با «دین اسلام» برقرار می کنند، ضروری است. هم اسلام گرایان و هم اصلاح طلبان هر دو به بودن اسلام اعتقاد قلبی دارند، اما نزد اسلام گرایان «اسلام» معنی قرانت خاص از اسلام (یا اسلام به منزله یک ایدئولوژی) و اداره جامعه بر اساس این قرانت خاص به عنوان یک امر شرعی و واجب در نظر گرفته می شود. در صورتی که در نزد اصلاح طلبان، اسلام به منزله دین است نه یک ایدئولوژی خاص (یا برنامه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) که در خدمت مدیریت جامعه یا مبارزه

محوری در میان مسلمانان سیاسی شکل گرفت که برای رهایی از مفاسد، بی بند و باریها و تبعیضات جامعه پهلوی باید جامعه را از طریق به دست گرفتن حکومت، اسلامی کرد. این همان اقدامی بود که به طور جدی توسط آنان از طریق شرکت فعال در انقلاب اسلامی و سپس تأسیس جمهوری اسلامی پی گرفته شد. به بیان دیگر، در نزد اسلام گرایان، آسیبهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دوران پهلوی بیش از آنکه پیامدهای ناخواسته جامعه مدرن (یا جامعه در حال گذر) باشد و سعی شود از دریچه مفاهیم و تئوریهای علوم انسانی تجزیه و تحلیل شود، از دریچه مفاهیم و ارزشهای دینی نگریسته می شد و «اسلام» همانند کتاب دایرةالمعارفی فرض می شد که با مراجعه به آن می شد پاسخ هر مشکل ریز و درشت جامعه را پیدا کرد. لذا همان اعتماد قلبی را که مسلمانان به درستی گزاره های مسلم اسلامی دارند، اسلام گرایان سیاسی بدرستی گزاره «اسلامی کردن سیاست و جامعه» برای ریشه کنی مفاسد اجتماعی جامعه داشتند. به تعبیر دیگر، اعتماد اسلام گرایان بیش از آنکه ریشه در تجربه بشری (علوم زمانه) داشته باشد، ریشه دینی و آسمانی دارد و همین اعتماد دینی بود که به ایشان در دهه اول انقلاب در مقام پیشبرد عمل سیاسی قدرت مؤثری می داد و آنان را در برابر واقعیات و معضلات زندگی جمعی به زانو در نمی آورد. این قدرت اسلام گرایان بعدها با دو قدرت دیگر ترکیب شد و هژمونی سیاسی-مذهبی نیرومندی را در عرصه سیاست جامعه ایران به وجود آورد. (اول، قدرت اجتماعی ناشی از بسیج توده های مردم تحت رهبری استثنایی و کاریزماتیک امام خمینی (ره) که در جریان انقلاب شکل گرفت و پس از انقلاب در طول دوران جنگ تداوم پیدا کرد و دوم، قدرت سیاسی ناشی از استقرار حکومت جمهوری اسلامی پس از سقوط حکومت پهلوی بود).^۱ در دهه اول انقلاب راهبرد

→ سیاسی قرار گیرد. به بیان دیگر اصلاح طلبان به رعایت واجبات و محرّمات مسلم شرعی اعتقاد دارند؛ اما معتقدند ضمن رعایت حدود شرعی که در رساله های علمیه قید شده است، انواع زندگیا را (بر اساس سطح توسعه یافتگی جامعه) می توان سازماندهی کرد و «اسلام به منزله یک دین» الگو و ایدئولوژی خاصی را به اعضای جامعه دیکته نمی کند.

۱. همان طور که اشاره شد، در این نوشته مفهوم هژمونی سیاسی-مذهبی اسلام گرایان اشاره به نیروی فراتر از نیروی سیاسی که از طریق به دست گرفتن حکومت حاصل می شود، دارد. به بیان دیگر قدرت سیاسی ناشی از حکومت جمهوری اسلامی بخشی از نیروی این هژمونی است، ولی بخش اعظم آن، از